



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد شیراز



## تبیین جامعه شناختی الگوهای گذران اوقات فراغت جوانان با تاکید بر مفهوم سبک زندگی

صدیقه شعاع

دانشجوی دکتری جامعه شناسی دانشگاه کاشان

[shoaae@gmail.com](mailto:shoaae@gmail.com)

دکتر مهران سهراب زاده

استاد جامعه شناسی دانشگاه کاشان

[Sohrabzadeh@kashanu.ac.ir](mailto:Sohrabzadeh@kashanu.ac.ir)

طیبه محمدی نیا

هیات علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور

[Tm\\_nia1@yahoo.com](mailto:Tm_nia1@yahoo.com)

### چکیده:

اوقات فراغت و نحوه گذران آن از مباحث تازه ای است که پس از انقلاب صنعتی و رشد صنایع و فناوری، توجه جامعه شناسان را به خود معطوف داشته و به موضوعی مهم در حوزه علوم اجتماعی تبدیل شده است. این مطالعه با تلفیق روش های کمی و کیفی در صدد تبیین الگوهای گذران اوقات فراغت به عنوان بخش مهمی از سبک زندگی است و در آن از چارچوب نظری بوردیو استفاده شده است. نتایج این بررسی تایید کننده نظریات این اندیشمندان بوده و بیانگر نقش مهم سرمایه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در سبک زندگی و خصوصاً الگوهای گذران اوقات فراغت است و نشان می دهد گرچه کنشگران دارای قدرت آزادی و انتخاب هستند اما عوامل ساختاری انتخاب های آنها را محدود نموده است و آنها را ناچار کرده که با توجه به سرمایه های موجود به سبک زندگی متمایزی گرایش یافته و الگوی گذران فراغت ویژه ای را برگزینند. همچنین یافته ها حاکی از آن بود که علاوه بر کیفیت و نحوه گذران اوقات فراغت، کمیت فعالیت های فراغتی نیز با افزایش سرمایه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کنشگران افزایش می یابد و لازم است در سیاست گذاری ها تمایزات گروه های مختلف در سبک زندگی و تمایلات فراغتی مورد عنایت قرار گرفته و با توجه به آن برنامه ریزی مناسب اتخاذ گردد.

**کلید واژه ها:** اوقات فراغت، الگوهای فراغتی، فرهنگ، سرمایه، سبک زندگی



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد شیراز



## مقدمه:

مطالعه اوقات فراغت و نحوه گذران آن از موضوعاتی است که امروزه جایگاه مهمی در زندگی مردم و سیاست گذاری های فرهنگی جامعه به خود اختصاص داده و خصوصاً پس از انقلاب صنعتی توجه اندیشمندان زیادی را به خود معطوف داشته است. برخی از پژوهشگران بر این باورند که گذران اوقات فراغت خاص جامعه صنعتی است اما برخی دیگر معتقدند که فراغت در تمام مراحل تاریخی زندگی بشر وجود داشته و خاص زمان مشخصی نیست اما در هر دوره ای نگرش گروههای مختلف مردم به آن متفاوت بوده است. چنانچه در جوامع سنتی تفکیک ویژه ای بین کار و فراغت وجود نداشته، فراغت هم زوج کار بوده و به عنوان بخشی از زندگی فرهنگی محسوب می گردیده است. مطالعات تاریخی نیز نشان می دهد در این دوران صورتی از فعالیت های فراغتی نظیر گردش، دور هم غذا خوردن، انواع و اقسام ورزش ها و غیره وجود داشته و حتی مردم جامعه روستایی، در کنار مهم ترین اشتغالات روزمره، فرصت هایی را برای ورزش و رقابت سالم و ترویج روحیه نشاط و شادابی ایجاد می کرده اند. (سعیدی، ۱۳۸۷: ۳۲؛ شیخ، ۱۳۵۷: ۵؛ تورکیلد ستون، ۲۰۰۱: ۶۴).

پیدایش اوقات فراغت در مفهوم جدید آن به انقلاب صنعتی باز می گردد. فراغت در این معنا واقعیتی است کاملاً تازه که با جامعه صنعتی، رشد اقتصادی، افزایش دستمزد ها و گسترش پدیده شهرنشینی و وسایل تفریح و سرگرمی به وجود آمده است و با برانگیختن نظر جامعه شناسان به موضوع مهمی در حوزه جامعه شناسی تبدیل شده است (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱: ۴۹؛ فکوهی و انصاری مهابادی، ۱۳۸۲: ۶۲). در این دوران نگرش به اوقات فراغت تغییر یافته و در مقابل کار قرار می گیرد و به معنای زمان آزادی<sup>۱</sup> تلقی می شود که فرد با توجه به شرایط و موقعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی به دنبال علایق دلخواه خود می رود و عمل غیر موظف و مشخصی را انجام می دهد (زاهد زاهدانی، ۱۳۹۱: ۹۰). همچنین در این دوران فراغت به حوزه تضاد های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تبدیل می شود که به شکل ستیز اتحادیه های کارگری و مدیریت کارخانه ها و کار فرما ها تجلی می یابد.

در دوران مدرن به تدریج که ساخت اقتصادی تغییر یافته و بازار های مصرفی تشکیل می شود حوزه فراغت برای اقشار مختلف به وجو می آید (سعیدی، ۲۰۱۳: ۳۲). در واقع در دوران مدرنیته که مسبب تمایزات گوناگون بین حوزه های مختلف است مکان تولید از مکان مصرف متمایز شده و نقش های تولیدی خانواده به لحاظ جغرافیایی، زمانی و ساختاری از بین می رود (علوی زاده، ۱۳۸۵: ۶۳). با تغییر نوع نگاه امروزه آن چیزی که در جامعه مبنای تمایز و تفاوت بین طبقات اجتماعی است مصرف می باشد. و انواع مختلفی از کالا های تولید شده خود را به عنوان عنصر اصلی طبقه بندی جامعه عرضه می کنند و انواع مصرف باعث شکل گیری سبک های مختلفی در گذران اوقات فراغت شده است (بهار، ۱۳۸۸: ۱۷۲).

دسته بندی های مختلفی از اوقات فراغت ارائه شده است چنانچه فلچر و همکارانش فراغت را به دو دسته ساخت یافته<sup>۲</sup> و ساخت نیافته، لیونک و لی به دو دسته مردم محور<sup>۳</sup> و مکان محور<sup>۴</sup>، نیولینگر به فعال و غیر فعال تقسیم کرده اند (فیض، ۱۳۸۶: ۲۴؛ ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۳)، همچنین دومازیه نیز طبقه بندی جامعی از فراغت ارائه کرده است که شامل فراغت های جسمانی، هنری، علمی، فکری و اجتماعی است (تیپا، ۱۳۸۸: ۸۸).

- 1- opportunity for free time
- 2- structured
- 3 - People –centered
- 4- Place center
- 5-Democratic Culture



از آنجا که چگونگی گذران اوقات فراغت پدیده ای فرهنگی و اجتماعی است که با تاثیر پذیری و تاثیر گذاری متقابل از ساخت اجتماعی موضوع مشترک تمام گروههای اجتماعی است و در صورت هدایت مناسب می تواند وسیله ای موثر برای پرورش قوای فکری، جسمی و اخلاقی افراد و مانع کج رویهای اجتماعی شود دارای اهمیت زیادی بوده (تند نویس، ۱۳۷۸:۱۳۹۴) و اندیشمندان کارکرد و اهمیت زیادی برای آن قابل شده اند بطوری که به عقیده روجک فراغت به اندازه سلامت و آموزش می تواند بر کیفیت زندگی تاثیر گذار باشد (روجک، ۱۳۸۸:۱۱)، و یا بر اساس نظر الفرد لوید وسیله رسیدن به فرهنگ دموکراتیک<sup>۵</sup> است و بنا بر اندیشه هانیکات سبب ایجاد خلاقیت می گردد (Hunnicut, 1988:104,130).

اوقات فراغت نزدیک ترین پیوند را با زندگی فرهنگی افراد دارد و افراد شخصیت و ذایقه خود را در نحوه گذران اوقات فراغت خود جلوه گر می کنند. سرمایه های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با تعیین چارچوب هایی، انتخاب های افراد را تحت تاثیر خود قرار داده. و سبب داشتن نوع خاصی از سبک زندگی می شود. مفهوم سبک ها و الگو های فراغتی و مباحث مرتبط با آن به دنبال ارایه تفسیر منسجمی از هویت اجتماعی در چارچوب مدرنیته جدید وجود آمده و در رابطه با نحوه مدیریت و مصرف هر چه بیشتر کالا ها و با مسایل فرهنگی جامعه شکل گرفته است. و به عنوان یک روش زیستن و بیان کنش فردی و اجتماعی جزئی از نظام فرهنگی بوده و در ارتباط با خرده نظام شخصیتی، در پی تحقق مطلوبیت فردی اعضای جامعه است و کارکرد عمده آن، علاوه بر تأمین نیازهای فراغتنگران، نوعی کارکرد اجتماعی در راستای اجتماعی شدن و انتقال ارزش ها و هنجارها، تأمین حیات اجتماعی و ایجاد تعادل و توازن در نظام اجتماعی است (ریترز، ۱۳۷۴:۱۳۵).

در گذشته بسیاری از مفاهیم جامعه شناسی توسط تبیین های مارکسیستی مبتنی بر جایگاه افراد در نظام تولیدی و مفهوم طبقه صورت می گرفته است و حتی گاهی به اشتباه، سبک زندگی را معادل فرهنگ و یا طبقه در نظر می گرفتند (هندری و دیگران، ۱۳۸۱:۲۲۸). در دوران کنونی، تیپولوژی های سنتی مانند طبقه که مبتنی بر موقعیت اقتصادی و جایگاه شغلی هستند دیگر قادر به تبیین کامل شرایط جدید نبوده و از این رو تبیین این ویژگی ها در میان گروههای مختلف اجتماعی به سنخ شناسی و طرح مفاهیم جدید نیاز دارد که عمدتاً به جنبه های مصرفی کنش اجتماعی ارتباط دارد. که بخش قابل توجهی از آن مختص مصرف فراغتی می باشد (شکوری، ۱۳۸۷:۱۳۰). در واقع جهت گیری نظریه های معاصر و پس از جنگ جهانی با اهمیت حوزه مصرف باعث شده است سبک زندگی به دلیل خصوصیت جامع تر و انعطاف پذیر تر مورد توجه قرار گیرد (ابادری و چاوشیان، ۱۳۸۱:۶؛ فاضلی، ۱۳۸۲:۶۲) بر این اساس یک معتقد است جامعه به سمت دوره جدیدی در حرکت است که در آن جایگاه ساختاری افراد تاثیر چندانی روی فرصت های زندگی آنها ندارد و از این رو طبقه مبنای مناسبی برای تشخیص تمایز و تشخیص نیست (Beck, 1992) و برخی از نظریات با تمرکز بر مفهوم سبک به تمایز های ناشی از مصرف توجه می کنند. (Turner, 1998; Bourdieu, 1984; Giddens, 1991)

حوزه فراغت از عرصه های انتخاب آزادانه فردی و از حوزه های مهم در مطالعات سبک زندگی و در واقع این اصلی ترین حوزه تحلیل های سبک زندگی است که در آن افراد کلیشه ها، الگو ها و قواعد خاص سبک زندگی را بازگو می کنند (ربانی و شیرینی، ۱۳۸۸:۲۱۱). در این رابطه زیمل سبک زندگی را کل به هم پیوسته صورت هایی می داند که افراد یک جامعه مطابق انگیزه های درونی و سلیق خود و به واسطه تلاشی که برای ایجاد توازن میان شخصیت ذهنی و زیست محیط عینی و انسانی اشان انجام می دهند برای زندگی انتخاب می کنند (مهدوی کنی، ۱۳۸۶:۲۰۵) و وبر سبک زندگی را معرف قشر اجتماعی می داند و آن را چیزی معرفی می کند که مرز های نا مشخص موقعیت و قشر اجتماعی را تعیین می کند (یوت، ۱۹۹۶:۵). بوردیو نیز سبک زندگی را فعالیت های نظام مندی می داند که از ذوق و سلیقه ناشی می شود و بیشتر جنبه عینی و خارجی داشته و در عین حال که به صورت نمادین به افراد هویت می بخشد در میان اقشار جامعه تمایز ایجاد می کند (بوردیو، ۱۹۸۴:۲۸۵).



به طور کلی از میان معانی متعدد می توان گفت که سبک زندگی در نزد برخی از اندیشمندان به معنای ثروت و موقعیت اقتصادی و منزلت اجتماعی و به عنوان شاخص طبقه اجتماعی است و در نظر دیگران، شکل اجتماعی نوینی است که تنها در متن تغییرات فرهنگی مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف گرایی معنا می یابد و راهی برای تعریف ارزش ها و رفتار های افراد است. دو مفهوم وحدت و تمایز در تعریف های سبک زندگی وجود دارد بدین معنا که سبک زندگی به منزله مجموعه عناصری است که با ارتباط نظام مند یک کل را پدید می آورند و این اتحاد و نظام مندی این کل را از کل های دیگر جدا می کند.

در رفتار های فراغتی می توان الگو هایی را مشاهده کرد که الگو های فراغتی افراد را تشکیل می دهد هدف از این مقاله تبیین جامعه شناختی الگو های گذران اوقات فراغت جوانان با تاکید بر مفهوم سبک زندگی می باشد. این موضوع دارای اهمیت فراوانی در سیاست گذاری های اجتماعی است و چنانچه در جامعه شناسی نتوان با جمع بندی داده های پراکنده و تبیین رفتار های افراد بر اساس تفاوت ها و شباهت های معنادار طبقه بندی صحیحی به وجود آورد دست یابی به معرفت و تبیین اصولی امکان پذیر نمی شود

### پیشینه تحقیق:

مطالعات داخلی و خارجی فراوانی در خصوص نحوه گذران اوقات فراغت و ارتباط آن با متغیر هایی جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی انجام شده است. چنانکه فکوهی و انصاری مهابادی (۱۳۸۲) در بررسی نقش و تاثیر گذاری اوقات فراغت بر شکل گیری شخصیت افراد و ایجاد و پیدایش گونه های شخصیتی نشان دادند دختران طبقه بالا عکس طبقه پایین که فراغتی کم تنوع دارند از تنوع فراغتی بیشتری برخوردار است و علاوه بر گذراندن اوقات فراغت در خانه در خارج از خانه نیز فعالیتزایی دارند. رفعت جاه (۱۳۸۵) نیز در مطالعه خود به این نتیجه رسیده است که دگرگونی های دوره اخیر سبب ایجاد تغییراتی در الگوی مصرف و سبک زندگی خانواده ها شده است و اوقات فراغت از شکل انفعالی و درون خانگی خارج گشته و به صورت فعال و برون خانگی ظاهر شده است، منادی (۱۳۸۶) به این نتیجه دست یافته است که الگو های گذران اوقات فراغت جوانان متفاوت از والدینشان و متأثر از تحصیلات والدین است، تیاپا (۱۳۸۸) نشان می دهد که هر چه پایگاه اجتماعی و اقتصادی دانشجویان بالاتر باشد از میزان فراغت آنها کاسته می شود، ربانی و شیرینی (۱۳۸۸)، الهام پور و پاک سرشت (۱۳۸۳) به نقش تعیین کننده طبقه اجتماعی و ترکیب همزمان جنسیت با طبقه اجتماعی در خصوص تمایز و تفاوت گذران اوقات فراغت اشاره نموده اند. ابراهیمی و بهنوئی گدنه (۱۳۸۸) نیز علاوه بر تاثیر متغیر های پایگاه اجتماعی و اقتصادی و جنسیت به این نتیجه رسیدند که فراغت با تحصیلات افراد همبستگی دارد. همچنین شکوری (۱۳۸۷) در بررسی الگو های فراغتی جوانان شهر تهران ذائقه ماهواره ای و موسیقیایی آنها را مورد مطالعه قرار داده است که نتایج تحلیل داده ها در این مطالعه گویای آن است که علایق و ذایقه های افراد مورد بررسی دارای الگو و قاعده خاصی بوده و از جایگاه آنها در ساخت اجتماعی تاثیر می پذیرد وی در تحقیقاتش به این نتیجه رسیده است که بین گوش دادن جوانان به موسیقی های غربی با سرمایه فرهنگی همبستگی مثبت و بالایی وجود دارد و بین علاقه به موسیقی محلی اقوام ایرانی با سرمایه آموزشی همبستگی منفی برقرار است. (شکوری، ۱۳۷۸: ۱۲۸)

حیدر آبادی (۱۳۹۰) نیز در بررسی خود به این نتیجه رسیده است که بین تحصیلات افراد و میزان گرایش آنها به موسیقی غربی تفاوت معنا داری وجود دارد و این همبستگی منفی است بدین معنا که هر چه میزان تحصیلات بالا تر باشد میزان گرایش به سمت این نوع موسیقی کم تر است. (حیدر آبادی، ۱۳۹۰: ۶۷). فردرو (۱۳۸۷) بین پایگاه اجتماعی اقتصادی، منطقه مسکونی، تحصیلات و مصرف کالاهای فرهنگی رابطه معنی داری مشاهده کرده است. همچنین سازمان ملی جوانان در بررسی خود به این نتیجه دست یافت که تمایل به گذران اوقات فراغت در محیط های سر بسته در میان زنان فراوانی بیشتری دارد و این تمایل آنان به خاطر کمبود امکانات مخصوص زنان در خارج از منزل است. بر طبق نتایج تحقیق این سازمان به طور کلی علایق و نیازهای جوانان برای گذران اوقات فراغت بین سه قشر پایین، متوسط و بالای جامعه تفاوت چندانی وجود ندارد..



مؤثر الوباء والعلوم الاجتماعيه

96170-82201

دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد زرقان



پهلوان و برزیگر(۱۳۹۰) در بررسی گرایش دختران مقطع متوسطه شهرستان امل به گذران اوقات فراغت به این نتیجه رسیدند که الگوهای اوقات فراغت دختران جوان شهری در بین اقشار متوسط از شکل انفعالی و درون خانگی به شکل فعالانه و برون خانگی متمایل شده است. ادیسی و همکاران (۱۳۹۱) و شعبان زاده(۱۳۸۴) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده اند که فراغت های فکری متاثر از سرمایه های فرهنگی است( ادیسی و همکاران، ۱۳۹۱؛ شعبان زاده، ۱۳۸۴). و جعفری و همکاران(۱۳۹۳) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که ساعت فراغت در اقشار پر درآمد بیش از افراد کم درآمد است همچنین تمایل افراد پر درآمد به رفتن به تئاتر بیش از اقشار کم درآمدمی باشد.

در مطالعات خارجی نیز برخی یافته ها نشان دادند که الگوی فراغت مسلط به خصوصی سازی خانواده گرایش دارد یعنی عقب نشینی به طرف خانواده و صرف اوقات فراغت در خانه ، چنانچه با گسترش شهر نشینی برای افراد چنان محیط غریبه ای ایجاد شده که افراد به خانه به عنوان تنها مامنی برای فردیت و خود در جامعه مصرفی جدید پناه می برند. (Corrigan, 1997: 96-114)؛ (Abercombie et al., 2000: 341)

همچنین برخی یافته ها نشان می دهند که اوقات فراغت به صورت نا موزون بین جمعیت توزیع شده است و طبقات متخصص و حرفه ای بیشتر اوقات خود را در بیرون دنبال می کنند اما کارگران ساده و بی تخصص بیشتر زمان خود را در خانه می گذرانند(پیرسون، ۱۳۸۱)

کلارک نیز در تحقیق خود بین اوقات فراغت و منزلت شغلی رابطه معنادار خطی مشاهده کرده است . وایتنیز درباره تمایزات طبقاتی و اوقات فراغت به این نتیجه دست یافت که تفاوت معناداری بین زنان و مردان در استفاده از اوقات فراغت وجود دارد . همچنین طبقات متوسط رو به بالا ساعات بیشتری را صرف اوقات فراغت میکنند . از سوی دیگر الگوی انجام اوقات فراغت نیز با تغییر در پایگاه طبقاتی و تجزیه و تحلیل نحوه گذران اوقات افراد تغییر می کند . (شعاعی، ۱۳۷۷)

نورث و هارگریوز (۲۰۰۰) به این نتیجه رسیدند که افراد دارای مدرک تحصیلی بالا یعنی کارشناسی ارشد و دکترا طرفدار موسیقی اپرا، جاز و کلاسیک بودند، و تعداد زیادی از طرفداران موسیقی پاپ، دیپلمه و تعداد زیادی از طرفداران موسیقی محلی و غربی هیچ گونه مدرک تحصیلی نداشتند (نورث و هارگریوز، ۲۰۰۰)

همچنین دومازیه به این نتیجه رسیده است که نحوه صحیح استفاده از اوقات فراغت به آموزش و رشد فرهنگی بستگی دارد و انسان مدرن هزینه بیشتری را به فراغت اختصاص می دهد و الگوهای فراغت بر حسب طبقات مختلف متفاوت است(ادیسی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۱). استودلسکا(۲۰۰۶) نیز در بررسی خود به این نتیجه رسیده است که اوقات فراغت مشروط به پایگاه خانوادگی و شبکه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است(استودلسکا، ۲۰۰۶). همچنین به عقیده روژک (۱۹۹۰) مصرف کننده معاصر نوع خاص گذران اوقات فراغت را متناسب با سبک زندگی خود ساخته است (روژک، ۱۹۹۰). همچنین در این خصوص استر سرین و همکاران (۲۰۰۸) نشان دادند که جوانان ۲۰ تا ۲۵ ساله تحت تاثیر وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده و محیط خود به سمت انواع فعالیت های فرهنگی و اجتماعی سوق می یابند . افرادی که به سطوح پایین و متوسط تعلق دارند بیشتر به سمت فعالیت های ساده تر مثل بازدید از نمایشگاه ها یا تئاتر های خیابانی که کم هزینه است می روند و جوانان مرفه تر بیشتر زمان خود را در گالری های خصوصی و سالن های نمایشی مانند اپرا و تئاتر های حرفه ای می گذرانند.

### روش تحقیق:

در این مطالعه با استفاده از تلفیقی از داده های کمی و کیفی سبک های مختلف فراغتی در بین گروههای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. یافته های کمی این مطالعه استخراج شده از داده های ثانویه طرح سنجش شاخص های فرهنگ عمومی کشور است و جهت جمع آوری داده ها در این مطالعه تعداد ۵۰۰ نفر در هر استان به روش نمونه گیری طبقه ای چند مرحله ای انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته اند.



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد شیراز



همچنین در بخش کیفی ۳۰ نفر انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفته اند. در این مصاحبه ها ضمن انجام سئوالات عمومی مانند سن، جنسیت، میزان تحصیلات خود و والدین، محل سکونت، نوع اتومبیل و غیره نحوه گذران اوقات فراغت افراد و خانواده اشان مورد بررسی قرار گرفته است. و افراد بر اساس مشاهدات پرسشگر و پاسخ های مخاطبین در یکی از سه قشر پایین، متوسط و ضعیف قرار داده شده و مورد تحلیل قرار گرفته اند.

### بررسی نظریات و چارچوب نظری:

اوقات فراغت و نحوه گذران آن از شاخص های مهم سبک زندگی است و در این حوزه افراد الگوها و قواعد خاص سبک زندگی و هویت اجتماعی خود را بازگو می کنند. تشدید پیامد های مدرنیته و وقوع تحولات بنیادین در چند دهه اخیر نظریه اجتماعی را به سمت پذیرش نقش فزاینده سبک زندگی در برساختن هویت های شخصی و اجتماعی سوق داده است و در نتیجه همین امر رابطه بین سبک زندگی و سرمایه فرهنگی را به موضوعی محوری تبدیل نموده است. اندیشمندان مختلفی به موضوع اوقات فراغت توجه کرده اند و هر کدام این موضوع را از زاویه ای مورد بررسی و کنکاش قرار داده اند. وبر با به کار گیری اصطلاح سبک زندگی توجه خود را به مصرف معطوف می کند و معتقد است درون هر قشری امکانات و پتانسیل هایی وجود دارد و افراد هر طبقه با سبک های متفاوت زندگی خود را از دیگران متمایز می کنند (تامین، ۱۳۷۸). وی با طرح گروه های منزلتی، راه را برای مطالعات سبک زندگی و فراغت و اهمیت دادن به آن باز کرده است (کاتز و گرو، ۱۹۹۹) و بلن نیز در کتاب نظریه طبقه مرفه به سوی جامعه فراغتی، این نظریه را مطرح کرد که اعضای این طبقه برای نمایش و کسب منزلت اجتماعی بالاتر در مصرف و به ویژه فراغت و تن آسانی زیاده روی می کنند (وبلن، ۱۳۸۳: ۶۹) از نظر وبلن افراد با مصرف چشمگیر، فراغت چشمگیر تظاهری و نمایش چشمگیر تلاش می کنند تا خود را برتر جلوه دهند و برای خودشان نیز ارزش بیشتری قایل شوند (کوزر، ۱۳۸۰: ۳۶۱).

در واقع اگر چه در میان متفکران کلاسیک جامعه شناسی کسانی مانند تورشتاین وبلن به اهمیت سبک زندگی، شاخص های آن، نقش آن در ایجاد تمایز های اجتماعی و رابطه اش با مصرف توجه کرده اند، اما این مفهوم در نظریات آنها محوری نیست و تنها با شکل گیری وضعیت نو ظهور دوران پس از جنگ جهانی دوم بود که این مفهوم و مفاهیم مرتبط با آن از جمله مصرف فرهنگی، سرمایه فرهنگی و اوقات فراغت در کانون بحث های جامعه شناسی قرار گرفته است. در بین جامعه شناسان معاصر افرادی مانند گیدنز، باومن و بک معتقدند که امروزه افراد با مصرف نمایی به خودشان معنا و هویت می دهند (گودمن، ۲۰۰۴؛ وارد، ۱۹۹۴). گیدنز سبک زندگی را مجموعه نسبتاً هماهنگی از رفتارها و فعالیت های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره می داند (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۲۱). و دیوید چینی نیز از آن به عنوان جزء لاینفک زندگی اجتماعی جهان روزمره نام می برد و معتقد است که سلیقه و ذائقه افراد در پیوند تنگاتنگ با سبک زندگی شکل می گیرد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵) در این میان بوردیو به شکل ویژه ای به بررسی در خصوص اوقات فراغت و سبک زندگی پرداخته است. در این مطالعه نیز نظریه بوردیو به عنوان چارچوب نظری پژوهش انتخاب و مورد استفاده و بررسی قرار گرفته است.

بوردیو با ترکیب نظرات مارکس و وبر مفهوم طبقه مارکس را مبنای کار خود قرار می دهد وی مانند وبر برای عوامل فرهنگی ارزش زیادی در نظر گرفته و سلیقه و سبک زندگی را شاخص طبقاتی محسوب می کند و معتقد است سبک های زندگی می توانند به بهترین وجه خود را در مجموعه متنوعی از فعالیت های فراغتی مانند ورزش، مطالعه، موسیقی، تئاتر، سینما و غیره نشان دهد. از نظر او سبک زندگی ارتباط تنگاتنگی با مصرف فرهنگی دارد. افراد با خرید و مصرف محصولات فرهنگی خود را از دیگران متمایز می کنند و با انتصاب ویژگی های مشابه، یک گروه اجتماعی تشکیل می دهند که آنها را دارای سبک زندگی مشابهی می کند. بوردیو سرمایه فرهنگی را از شاخصه های مهم سبک زندگی و برخاسته از ذائقه و قریحه فرهنگی می داند و معتقد است پیشینه خانوادگی، آموزش و مدت زمان قرار گرفتن افراد در معرض آثار فرهنگی بر انتخاب های فرهنگی آنها اثر می گذارد. (بوردیو)



مدیر ناشر: دکتر پروین آیدین

96170-82201

دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد شیراز



او معتقد است که پرورش شخص در خانواده و طبقه خاص، بر انتخاب اوقات فراغت فرد بسیار تاثیر گذار است و علایق و سلیقه ها، خواست ها و برداشت های مربوط به فعالیت های فراغت، در دوران کودکی و در درون خانواده ها و در محیط اجتماعی پیرامون آن فرا گرفته می شود (هی وود و همکاران، ۱۳۸۰:۳۵۵).

به نظر بوردیو در عرصه اوقات فراغت و سبک زندگی در هر میدان، سرمایه هایی شکل می گیرد که سبک زندگی خاصی را به صورت عادت واره به وجود می آورد (خواجه نوری و مقدس، ۱۳۸۷:۱۴۱) او مفهوم عادت واره را به عنوان عنصر تمایز بخش طبقات مطرح می کند و معتقد است افرادی که در ساختار اجتماعی موقعیت یکسانی را اشغال می کنند منش و ذایقه مشابهی دارند.

در واقع وی نظام طبایع و قریحه ها را ویژگی طبقات می داند و معتقد است سلیقه به عنوان نظام ترجیحات تمایز بخشی است که زاینده سبک زندگی است و حیات اجتماعی مدرن در آن نمود می یابد. (بوردیو، ۱۳۹۳:۲۹) وی به سلیقه به عنوان یکی از نشانه های منش یا عادت واره توجه کرده و سلیقه را به سه دسته سلیقه مشروع، سلیقه میان مایه و سلیقه عامیانه تقسیم نموده (بوردیو، ۱۳۹۳:۴۰) و هر سلیقه را به گروه خاصی نسبت می دهد به نحوی که سلیقه مشروع را مربوط به طبقه بالا، سلیقه عامیانه را مربوط به طبقه پایین و سلیقه میان مایه را مرتبط با طبقه متوسط یا خورده برژوا می داند. و پیوند تنگاتنگی بین سطح تحصیلات و خاستگاه اجتماعی برقرار می کند (بوردیو، ۱۳۹۳:۲۴).

بوردیو عادت واره را نمایشگر سلیقه افراد در سبک زندگی و انتخابهای پیش رو در عرصه های مختلف از جمله فراغت می داند و معتقد است فراغت رابطه مستقیمی با طبقه اجتماعی دارد. وی در کتاب تمایز با ظرافت و حوصله تمام به بررسی رابطه سلیقه افراد در میدان های مختلف و جایگاه طبقاتی آنها می پردازد. او اهمیت به کارکرد را به طبقه پایین و توجه به فرم و ظاهر را به طبقه برژوا نسبت می دهد (بوردیو، ۱۳۹۳:۴۴) بطوری که معتقد است در ورزش، توجه طبقات پایین متوجه تقویت اندام و توجه طبقات بالا به زیبایی بوده و هر طبقه نوع ورزش متفاوتی دارند وی ورزش های گرانیقیمت و انفرادی مثل اسکی و تنیس را به برژوا، گلف را به قشر های بالای برژوا و بوکس، فوتبال و بدنسازی را به طبقه کارگرنسبت می دهد و معتقد است که طبقه بالا از هنر انتظار طرد و انکار دنیای اجتماعی را داشته و به زیبا شناسی لذت پرستانه آسایش و برخوردارگی گرایش دارند، ذوق و سلیقه را از نشانه های نجیب زادگی دانسته و سعی می کنند فاصله خود را با سایر طبقات حفظ کنند و این در حالی است که گروههای زیرین با زیبا شناسی زاهدانه پیوند و قرابت بیشتری دارند و حامی انقلاب های هنری هستند (بوردیو، ۱۳۹۳:۲۴۶).

در این دیدگاه ساخت طبقات یک سلسله مراتب ساده نیست بلکه در دون طبقات نیز شاخه هایی وجود دارد که مرتبط با سرمایه های افراد است. وی از سرمایه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین نام می برد منظور بوردیو از سرمایه اقتصادی سرمایه مادی در نظام تولید، سرمایه فرهنگی شبکه آشنایان و از سرمایه فرهنگی به دانش، سلیقه و سبک زندگی است. همچنین او دو منبع مهم سرمایه فرهنگی را عادت واره های موجود در زندگی خانوادگی و تحصیلات می داند.

هر چند بوردیو از برژوا به عنوان بازیگر اصلی فرهنگ نام می برد اما اهمیت ویژه ای نیز برای طبقه متوسط یا خرده برژوا قایل است و این گروه را به عنوان بر هم زنده بازی طبقه بالا و به عنوان گروهی می داند که پایبند به امور نمادین بود و توجه و دغدغه آنها نسبت به ظواهر است (بوردیو، ۱۳۹۳:۳۴۶). تیرگی و ابهامی که میان طبقه و عقاید و مواضع طبقات متوسط وجود دارد باعث می شود افراد طبقه متوسط که بیش از شناخت فرهنگ، نیت فرهنگ دوستانه دارند فرهنگ دوستی خود را معطوف به شکل های فرعی و جزئی کالاها و فعالیت های فرهنگی مشروع نموده و تلاش کنند بالا تر از حد استطاعت خود زندگی کنند (بوردیو، ۱۳۹۳:۴۳۹).

#### یافته های تحقیق:

در این بخش ابتدا یافته های داده های کمی که از طرح سنجش شاخص های فرهنگ عمومی کشور استخراج شده است مورد بررسی قرار می گیرد. لازم به ذکر است که چون داده های مطرح شده در این سنجش دقیقاً با اطلاعات مورد نظر نویسندگان این مقاله هم خوانی نداشته



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد شیراز

مركز پژوهش‌های علمی و تخصصی  
96170-82201



است لذا تحصیلات و درآمد به عنوان دو شاخص مهم سرمایه های فرهنگی و اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین در بخش دوم با استفاده از مصاحبه های کیفی تلاش شده است بررسی جامع تری در این خصوص صورت پذیرد.

جدول شماره (۱) میانگین استفاده از فعالیت های فراغتی بر حسب تحصیلات و درآمد

درآمد(به تومان)				تحصیلات				
۶۰۰ هزار و بالاتر	از ۳۶۰ تا ۵۹۹ هزار	از ۲۰۰ تا ۲۵۹ هزار	تا ۱۹۹ هزار	بالای دپلم	دپلم	ابتدایی تا پیش از	نیسواد و کمتر از	
۴/۷۹	۳/۳۶	۲/۱۳	۱/۵۵	۵/۹۸	۳/۴۰	۱/۷۹	۰/۱۶	میانگین مطالعه کتاب های غیر درسی طی سال گذشته
۳/۱۱	۲/۲۱	۱/۴۹	۰/۹۴	۳/۸۶	۲/۱۶	۱/۲۸	۰/۲۰	میانگین سرانه مدت زمان مطالعه درسی در هر هفته
۱/۸۲	۱/۸۳	۱/۲۵	۱	۲/۳۰	۱/۷۸	۱/۳۱	۰/۲۵	میانگین سرانه مدت مطالعه قران و ادعیه در هر هفته
۰/۸۳	۰/۶۲	۰/۴۹	۰/۳۱	۰/۹۴	۰/۶۶	۰/۴۶	۰/۰۶	میانگین مطالعه روزنامه در هر روز
۵/۹۶	۴/۷۱	۴/۳۶	۳/۱۳	۶/۰۲	۵/۷۷	۴/۰۲	۱/۲۶	میانگین سرانه مدت استفاده از امکانات بصری در هفته
۱/۲۷	۱/۲۴	۰/۹۳	۰/۹۰	۱/۶۰	۱/۲۵	۰/۸۶	۰/۴۸	میانگین سرانه مدت استفاده از امکانات صوتی در هفته
۲/۲۵	۱/۷۴	۱/۶۸	۱/۳۳	۲/۲۴	۲/۲۰	۱/۵۸	۰/۷۲	متوسط زمان گوش دادن به موسیقی در شبانه روز
۰/۲۴	۰/۱۷	۰/۱۲	۰/۰۶	۰/۳۰	۰/۱۶	۰/۱۰	۰/۰۶	میانگین سرانه دفعات رفتن به تئاتر در سال گذشته
۱/۷۷	۰/۸۸	۰/۶۶	۰/۳۶	۱/۷۱	۱/۲۱	۰/۵۲	۰/۰۷	میانگین سرانه دفعات رفتن به سینما در سال گذشته
۳/۸۸	۳/۵۳	۲/۸۷	۲/۶۹	۴/۱۱	۳/۵۹	۳/۰۴	۱/۶۷	میانگین سرانه اختصاص یافته به ورزش در هفته
۱/۳۵	۰/۷۸	۰/۵۷	۰/۳۵	۱/۰۶	۰/۸۹	۰/۵۷	۰/۲۳	میانگین استفاده از اینترنت
۱,۱۲	۰/۶۲	۰/۴۸	۰/۳۰	۰/۸۸	۰/۷۵	۰/۴۷	۰/۱۹	میانگین تماشای تلویزیون خارجی
۳/۳۴	۳/۳۷	۳/۴۲	۳/۰۵	۳/۰۱	۳/۴۱	۳/۴۹	۲/۷۹	میانگین تماشای تلویزیون داخلی
۰/۶۳	۰/۷۸	۰/۷۹	۰/۷۵	۰/۵۹	۰/۶۹	۰/۸۰	۰/۸۴	میانگین گوش دادن به رادیو

در جدول شماره (۱) میانگین استفاده از فعالیت های فراغتی بر حسب تحصیلات و درآمد آمده است. همانطور که در این جدول مشاهده می شود میزان کلیه فعالیت های فراغتی ذکر شده از جمله مطالعات درسی، مطالعات غیر درسی، استفاده از امکانات بصری و صوتی، گوش دادن به موسیقی، رفتن به تئاتر و سینما و استفاده از اینترنت با افزایش میزان تحصیلات و درآمد که از مهمترین شاخص های سرمایه فرهنگی و اقتصادی است افزایش یافته است. و تنها استثنا استفاده از تلویزیون داخلی و رادیو می باشد که به محتوای برنامه های ارایه شده آنها و ذایقه افراد مرتبط می شود. در این مقولات برخلاف وسایل فراغتی گروه اول مخاطبین قادر نیستند محتوای مورد ارایه را خود انتخاب نمایند. به عبارت دیگر در حالی که مخاطبین می توانند کتاب مورد نظر خود را مطالعه و یا فیلم و تئاتر دلخواه را مشاهده کنند و





دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد زرقان



یا به سایت مورد نظر مراجعه نمایند اما چنانکه در خصوص تلوزیون و رادیو مشاهده می گردد از آنجا که برنامه های آنها با ذایقه مخاطبینی که دارای سرمایه های فرهنگی و اجتماعی بالا تری هستند همخوانی ندارد روال معکوسی وجود دارد.

جدول شماره (۲) درصد تمایل پاسخگویان به سبک های موسیقی به تفکیک تحصیلات و درآمد

درآمد(به تومان)				تحصیلات				انواع موسیقی
تا ۶۰۰ هزار بالاتر	از ۳۶۰ تا ۵۹۹ هزار	از ۲۰۰ تا ۳۵۹ هزار	تا ۱۹۹ هزار	بالای دیپلم	دیپلم	ابتدایی تا پیش از دیپلم	بیسواد و کمتر از	
۵۳/۱	۴۸/۶	۴۴/۱	۳۶/۶	۵۶/۷	۵۰/۷	۴۲	۲۶/۷	موسیقی سنتی
۴۳/۸	۳۱/۸	۲۸/۵	۲۰/۱	۴۵	۴۱/۴	۲۵/۲	۴/۸	موسیقی پاپ ایرانی
۸/۴	۶/۶	۶	۳/۹	۸/۱	۸/۴	۵/۱	۱/۸	موسیقی راک ایرانی
۱۶/۸	۱۰/۵	۹/۳	۷/۵	۱۲/۹	۱۶/۲	۱۰/۵	۱/۲	موسیقی رپ ایرانی
۲۳/۷	۲۸/۸	۳۰	۲۹/۷	۲۷	۲۸/۸	۳۱/۸	۲۲/۸	موسیقی محلی ایرانی
۱۱/۱	۶/۶	۵/۱	۳/۳	۱۱/۴	۸/۱	۴/۲	۰/۹	موسیقی کلاسیک
۹/۶	۵/۷	۴/۵	۲/۷	۱۰/۲	۶/۹	۳/۶	۰/۹	موسیقی پاپ یا جاز غربی
۴/۸	۲/۱	۱/۲	۰/۹	۴/۵	۲/۴	۱/۲	۰	موسیقی راک، متال و رپ غربی
۰	۰	۰/۳	۰	۰/۳	۰	۰	۰	سایر
۱۳/۹	۲۵/۶	۲۸/۹	۳۸/۸	۱۳/۷	۱۵/۶	۲۹/۴	۵۸/۶	موسیقی گوش نمی دهم

در جدول شماره (۲) تمایل مخاطبین به انواع سبک های موسیقی به تفکیک تحصیلات و درآمد مورد بررسی قرار گرفته است همانطور که نتایج در این جدول نشان می دهد با افزایش سرمایه های اقتصادی و فرهنگی تمایل افراد به موسیقی های سنتی افزایش می یابد همچنین در این گروه نسبت به سایر گروهها افراد نسبت به موسیقی های راک، متال و رپ آشنایی بیشتری دارند و بیشتر به شنیدن آنها می پردازند همچنین. گروههای دارای تحصیلات و درآمد پایین بیشترین تمایل را به موسیقی های سنتی و محلی و سپس پاپ داشته اند.

جدول شماره (۳) اولویت مطالعه پاسخگویان به تفکیک گروه های تحصیلی

اولویت سوم	اولویت دوم	اولویت اول	
رمان و داستان بزرگسالان	دینی به جز قران	قران و ادعیه	بیسواد و کمتر از ابتدایی
رمان و داستان بزرگسالان	دینی به جز قران	قران و ادعیه	ابتدایی تا پیش از دیپلم
دینی به جز قران	رمان و داستان بزرگسالان	قران و ادعیه	دیپلم
شعر، رمان و تاریخ	قران و ادعیه	روانشناسی و تربیتی	بالای دیپلم



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد شیراز



در جدول شماره (۳) سه اولویت اول مطالعه در گروههای مختلف تحصیلی آمده است همانطور که مشاهده می شود در گروههای با تحصیلات کمتر خواندن قران، کتب دینی و رمان و داستان بزرگسالان به ترتیب بالا ترین اولویت ها و در گروه دارای تحصیلات بالای دیپلم این ذایقه تا حدودی تغییر نموده و این اولویت ها به ترتیب به مطالعه کتب روانشناسی و تربیتی، قران و ادعیه و شعر، رمان و تاریخ تغییر یافته است.

در ادامه بر اساس مصاحبه های صورت گرفته نحوه گذران زمان فراغت در سه قشر فقیر، متوسط و مرفه به تفکیک آمده است و سعی شده تفاوت های ذایقه آنها در گذران اوقات فراغت مورد بررسی قرار گیرد.

### الف) طبقه فقیر

در این طبقه والدین اصولاً بی سواد و یا کم سواد بوده، محل سکونت این افراد بیشتر در مناطق پایین یا حاشیه ای شهر می باشد، خانواده فاقد اتومبیل و یا اتومبیل های ارزان قیمت و یا ماشین های باری مانند وانت و یا نیسان هستند، همچنین سطح درآمد این خانواده ها عموماً کمتر از ۵۰۰ هزار تومان در ماه می باشد و بخش بزرگی از درآمد صرف تامین نیاز های اولیه ای مانند خوراک، مسکن، و هزینه خدمات شهری مانند آب، برق و گاز می شود و کمتر هزینه ای جهت صرف در خصوص اوقات فراغت باقی می ماند در بیشتر موارد بررسی شده در این گروه گذران اوقات فراغت برنامه ریزی شده نیست و تماشای تلویزیون از اصلی ترین طرق گذران اوقات فراغت محسوب می گردید بطوری که فیلم ها و سریال های ایرانی و سریال های ماهواره، موسیقی بیشتری طرفدار را در بین جوانان این گروه داشته و میانسالان و سالمندان علاوه بر آن به برنامه های مرتبط با مراسم و مجالس مذهبی نیز علاقه مند بودند.

در این گروه دختران محدودیت های زیادی را در گذران فراغت تجربه می کردند. آنها بیشتر در خانه می ماند و رفت و آمد دوستانشان به خانه آنها کم بود و دوستان محدودی داشتند. بخش مهمی از اوقات فراغت خود را صرف کمک به مادر در انجام کار های خانه می کرده و به تمرین آشپزی و خانه داری جهت زندگی آینده می پرداختند. در این گروه دختران هنر هایی را می آموزند که کاربردی رای آنها داشته باشد و احیاناً در آینده برای آنها مفید واقع شود. به عبارت دیگر هنر هایی را می آموزند که یا درآمد زا باشد و یا سبب صرفه جویی خانواده شود که از جمله می توان از تمایل دختران این طبقه به هنر هایی مانند فرش بافی، خیاطی، بافندگی و گل سازی نام برد.

پسران نوجوان و جوان متعلق به این دسته وقت زیادی از اوقات خود را در خیابان و پارک با دوستانشان می گذرانند. به ورزش های توپی مانند فوتبال و کشتی و بدنسازی و رفتن به زور خانه علاقه مند هستند و در زمان های که فراغت بیشتری دارند بخش قابل توجهی از آنها تلاش می کنند در مغازه ای به شاگردی پرداخته و فن و یا هنری را بیاموزند که هم درآمدی را برای آنها به وجود آورد و هم بتوانند آمادگی های لازم را برای یافتن و برگزیدن شغلی در آینده به وجود آورند.

زنان میانسال و مسن نیز در این گروه بیشتر زمان خود را به تماشای تلویزیون و ماهوار و ارتباط با همسایگان و اقوام و هنر های کاربردی اختصاص می دهند و در مردان میانسال و مسن تماشای تلویزیون و گفتگو با همسالان بیشترین زمان اوقات فراغت را به خود اختصاص می داد.

آشنایی زیادی در بین اعضای این طبقه با سبک های موسیقی وجود ندارد و هیچ کدام تا کنون در کنسرت موسیقی شرکت نکرده بودند. در بین آنها گوش کردن به موسیقی های پاپ و محلی بالاترین طرفدار را دارد میزان مطالعه در بین افراد این طبقه کم است و عمدتاً مربوط به مطالعه درسی جوانان است و تنها تعداد معدودی از دختران به مطالعه رمان های عاشقانه ایرانی می پردازند، اکثر افراد مورد مطالعه معدود دفعاتی به سینما رفته اند که بیشتر در بین جوانان است و فراوانی آن در پسران بیش از دختران می باشد. مسافرت در بین اعضای این طبقه محدود است و عمده مسافرت ها به مسافرت های درون استانی که خانواده دارای اقوامی در آنجا است و همچنین مسافرت های



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد زرقان



زیارتی خلاصه می شود. بخش بزرگی از مسافرت ها توسط اتوبوس انجام می گرفت و اسکان در منزل آشنایان و استفاده از چادر مسافرتی فراوانی بیشتری داشت.

در منزل افراد این طبقه وسایل نقاشی یا وجود نداشته و یا در حد وسایل بسیار ابتدایی است و در خصوص وسایل موسیقی نیز دایره بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده بود. کتابهای موجود نیز بیشتر کتاب های درسی بوده و تعداد کتاب های غیر درسی بسیار محدود است که عمدتاً مشتمل بر کتاب های قرآن، مفاتیح و حافظ می باشد.

### طبقه متوسط:

الگو های فراغتی نوجوانان و جوانان در این طبقه تا حدودی از الگوی گذران اوقات فراغت در درون خانه فاصله گرفته و بخش زیادی از زمان خود را در بیرون از خانه سپری می کردند، بنحوی که حضور دختران این طبقه در مراکز خرید قابل ملاحظه است. همچنین حضور در کافی شاپ ها و رستوران های ارزان قیمت از جمله تفریحات جوانان در این گروه است. میزان آشنایی افراد مورد مطالعه در این طبقه در خصوص موسیقی بیشتر از طبقه پایین و کمتر از طبقه بالا است. همچنین موسیقی های پاپ، رپ ایرانی و محلی در بین این گروه طرفدار های بیشتری دارد چنانچه موسیقی رپ در بین نوجوانان و جوانان پسر رواج بالا تری دارد. افراد در این طبقه به طور میانگین حدود دو تا سه ساعت در روز را به گوش دادن به موسیقی اختصاص می دادند. این گروه مسافرت های بین شهری نسبتاً زیادی داشتند که مقاصد آن هم زیارتی و هم تفریحی بوده است. بسیاری از آنها در مسافرت جهت اسکان از خانه های معلم، مهمانسرا های ادارات استفاده می کرده و از خدمات تور های ازان قیمت تری که اسکان در هتل های ۱ تا ۳ ستاره را در برنامه خود داشتند کمک گرفته و در موارد معدودی نیز از چادر های مسافرتی استفاده کرده بودند. در بین پاسخگویانی که در سطوح بالای این گروه بودند و تلاش می کردند خود را به عنوان افرادی از طبقه بالا معرفی کنند مدعی بودند که اسکان چادر های مسافرتی وحشتناک و کسر شان است و در مسافرت ضروی است که در هتل های مرغوب اسکان نمود. در خصوص وسیله نقلیه نیز سطوح پایین این گروه عموماً از اتومبیل های شخصی جهت مسافرت استفاده می کردند و در مواردی که با مشکل زمان مواجه بودند و یا امکان مسافرت هوایی با تور های ارزان قیمت تر برای آنها فراهم می شد سفر های هوایی داشتند. اما در بین افرادی که در بخش بالایی این طبقه قرار داشتند مسافرت با هواپیما رواج زیادی داشت. افراد این طبقه سفر های معدودی به خارج کشور داشتند که بخش عمده آن سفر های زیارتی بود و گروه اندکی نیز به کشورهای نزدیک چون ترکیه، ارمنستان و دبی سفر کرده بودند. این گروه نسبت به طبقه پایین دوستان بیشتری داشتند. میزان مطالعه کتاب های غیر درسی فراوانی بیشتری در بین آنها داشت.

استفاده از اینترنت و شبکه های مجازی مانند واتساپ، تلگرام و هیستوگرام سهم مهمی از گذران اوقات فراغت این قشر خصوصاً گروه جوان را به خود اختصاص می داد. هنر هایی مانند نواختن موسیقی و نقاشی از هنر های محبوب این گروه بود. دختران علاوه بر هنر های ذکر شده به شرکت در کلاس های شیرینی پزی، تزئینات، خود آرایی علاقه داشته و زنان جوان و میانسال خانه دار غیر شاغل نیز عموماً آموزش هایی در خصوص خیاطی گذرانده بودند. تلوزیون و ماهواره بخش قابل ملاحظه ای از گذران اوقات این خانواده ها را به خود اختصاص می داد فیلم های سینمایی ایرانی و خارجی و موسیقی و شو بیشترین طرفدار را در بین افراد این گروه داشت.

افراد مورد مطالعه در گروه متوسط رو به بالا که با تمایل زیادی سعی در شبیه کردن خود به طبقه بالا داشتند در سؤال در خصوص ورزش های مورد علاقه خود از ورزش های اسکیت، اسکواش، پارکور، تنیس خاکی و شنا نام برده و جوانان در طبقه متوسط رو به پایین که کمتر آشنایی با این ورزش ها داشتند از ورزش های ژیمناستیک، ایروبیک، شنا و تیر اندازی و پینگ پنگ و بدمینتون به عنوان ورزش های مورد علاقه خود در گذران اوقات فراغت یاد کردند.

افراد در این طبقه از سرمایه های فرهنگی بالا تری برخوردار بوده و حضور بیشتری نسبت به طبقه پایین در سالن های سینما و تئاتر داشتند. همچنین وسایل فراغتی نیز در خانه های افراد این گروه از تنوع و کیفیت بالا تری برخوردار بودند چنانچه در بسیاری از منازل آنها وسایل ورزشی مانند توپ، راکت پینگ پنگ، بدمینتون، دستگاه های ورزشی مانند تردمیل و دوچرخه ثابت، آلات های موسیقی مانند گیتار، سه تار و در موارد اندکی ویلون و سنتور و وسایل صوتی و بصری وجود داشت. بعلاوه در خانه های افراد مورد بررسی دارای تنوع بیشتر کتاب بود بطوری که بین ۲۰ تا ۷۰۰ کتاب مشاهده گردید که میزان آن در بین طبقات متوسط جدید تحصیل کرده بیش از طبقه متوسط سنتی بود.



همچنین با توجه به تفاوت های زیادی که در خصوص سرمایه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در بین پاره طبقات این گروه وجود دارد شاهد تنوع زیادی در سبک های زندگی می باشیم . بعلاوه در رفتار ها و سبک زندگی طبقه متوسط نوعی ابهام وجود دارد. از یک طرف افراد در این طبقه دوست دارند که خود را به طبقه بالا نزدیک کنند ، و ازمنش و سبک زندگی این طبقه تبعیت کند اما از طرف دیگر سرمایه های فرهنگی و اقتصادی آنها به آن درجه ای نیست که بتوانند مانند افراد طبقه بالا از عهده آن برآیند در این طبقه اوقات فراغت به نوعی مصرف نمایشی تبدیل شده است و افراد در تلاش و رقابتی بی وقفه تمایل به ارایه برتری جایگاه خود نزد دیگران دارند.

### طبقه مرفه:

در جامعه ایرانی سیاست اصلی برنامه های دولتی سامان دادن به طبقه فقیر بوده و گاهاً ثروت و سبک زندگی مرفه نکوهش شده است این گروه اجازه نیافته اند جایگاه حقیقی خود را در جامعه پیدا کنند و بعلاوه در برنامه ریزی های دولتی و پژوهش های اجتماعی کمتر مورد توجه قرار گرفته اند.

در میان افراد این طبقه سرمایه های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به میزان بالایی وجود دارد. بسیاری از افراد این طبقه به هنر و ادبیات علاقه مندند و بیشتر از آموزش های اساتید خصوصی استفاده کرده و با گروه های همتای خود ارتباط دارند. گذران اوقات فراغت در بین آنها هدفمند است.

بطوری که وسایل بسیار متنوع و گسترده ای در منزل افراد این طبقه وجود دارد. که برخی از آنها عبارتند از آلات موسیقی مانند پیانو، و ویالون ، کتابخانه های بزرگ و کتاب های متنوع، وسایل ورزشی مانند اسکیت، وسایل کوه نوردی، وسایل شنا، وسایل نقاشی و غیره .

افراد در این طبقه بیشتر تمایل به تماشای فیلم های سینمایی خارجی برتر جهان داشته و بیشترین آشنایی را با سبک های موسیقی و هنری دارند، در درجه اول موسیقی سنتی و در درجه دوم موسیقی پاپ از محبوب ترین موسیقی ها در بین اعضای این گروه می باشد که اقبال به موسیقی سنتی با افزایش سرمایه های فرهنگی افزوده می شد. بعلاوه میزان مطالعه غیر درسی در این گروه خصوصاً در صورت غلبه سرمایه فرهنگی بیشتر می شود. بیشتر خرید وسایل آنها در سفر های داخلی و خارجی و از کالاهای مارک انجام می شود.

رفتن به سالن های کنسرت و تئاترهای فاخر و رستوران های گرانقیمت از جمله تفریحات دیگر این گروه است. این افراد مسافرت های داخلی و خارجی زیادی دارند که اصولاً هوایی است و در هتل های گران قیمت اسکان می یابند. این گروه دارای ماشین های مدل بالا و بسیار گرانقیمت هستند و بسیاری از جوانان این گروه بخشی از اوقات فراغتشان را به گشت و گذار در شهر می پردازند. اسب سواری، اسکیت، تنیس خاکی، بیلبارد و غیره از ورزش های مورد علاقه این گروه می باشد. همچنین خانه های آنها بسیار بزرگ و مجهز به استخر بوده و شنا از ورزش های مورد علاقه آنهاست.

### نتیجه گیری:

اوقات فراغت و نحوه گذران آن از مباحث تازه ای است که پس از انقلاب صنعتی و رشد صنایع و فناوری، توجه جامعه شناسان را برانگیخته و به موضوعی مهم در حوزه علوم اجتماعی تبدیل شده است. نیاز به اوقات فراغت خاص یک قشر خاص نیست و بخش بزرگی از زندگی یک انسان صرف آن شده که لزوم توجه و برنامه ریزی برای آن را به همراه دارد و سبب گردیده است بسیاری از کشورهای جهان با استفاده از نتایج تحقیقات و مطالعات، در پی یافتن الگوهای مناسب در جهت استفاده بهینه از اوقات فراغت در جوامع خود می باشند.

در این مطالعه تلاش شده است با استفاده از نظریه بوردیو الگو های فراغتی افراد به عنوان یکی از موفه های مهم سبک زندگی مورد بررسی قرار گیرد. یافته های این تحقیق نشان میدهد که هر چند برخی از سبک های زندگی و الگو های مصرفی وجود دارد که حاصل زندگی



دفتر انجمن روانشناسان ایران

96170-82201

دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد زرقان



شهری و جهان شمول است و بسیاری از دولت ها همواره در صدد مهندسی فرهنگی برای مردم بوده و می خواهند سبک زندگی مورد نظر خود را اشاعه دهند اما تفاوت های قابل ملاحظه ای در کمیت و کیفیت گذران فراغت در افراد بر حسب میزان برخورداری آنها از سرمایه های مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی وجود دارد و افراد بر حسب انواع و میزان سرمایه های موجود دارای طبع و ذائقه متفاوتی در خصوص گذران اوقات فراغت هستند. ترکیب و میزان این سرمایه ها سبب ایجاد ذائقه و ترجیح های مختلفی در بین افراد شده و سبک مختلف فراغتی را در بین آنها به وجود آورده است.

وجود نظام طبقاتی از پیش فرضهای نظریه بوردیو می باشد و با لحاظ این فرض می توان از این نظریه در جامعه ایرانی استفاده کرد و به وسیله آن به تحلیل رفتار، سبک زندگی فراغتی و روابط بین طبقات پرداخت. در این رابطه هر چند عده ای به وجود نظام طبقاتی در جامعه ایرانی با دیده تردید می نگرند و معتقدند که این جامعه طبقاتی نبوده و خبری از فقر شدید و یا طبقه بسیار ثروتمند و برزوا وجود ندارد، اما تاملی دقیق تر نشان می دهد طبقه برزوا هر چند خود را از انظار عمومی دور داشته اند اما همچنان در جامعه ایرانی حضور دارند. بعلاوه بررسی شاخص های میزان درآمد و رفاه نیز حاکی از وجود طبقات پایین در جامعه است چنانکه مرکز آمار ایران فاصله اولین دهک درآمدی با آخرین دهک را حدود سالیانه ۴۰ میلیون تومان اعلام نموده است .

. هر چند طبقه بندی و قشر بندی های متفاوتی از وضعیت طبقات ارایه شده است و نمی توان خط و مرز دقیقی میان آنها کشید، اما می توان با اندکی اغماض سه طبقه را در جامعه ایرانی تشخیص داد. طبقه بالایی که بر دارایی مولد داشته و بر دیگران کنترل دارند، طبقه میانی که علاوه بر نداشتن دارایی زیادی دارای تحصیلات ویژه و مهارت های بالا هستند و می توانند آنرا در بازار مبادله کنند و طبقه پایین یا کارگری که فقط نیروی کار خود را می فروشند.

یافته های این تحقیق حاکی از آن بود که در بین این گروه های سبک های زندگی و فراغتی متفاوت و متمایزی وجود و هر گروه، دارای الگو های فراغتی نسبتاً مشابهی در زمینه ورزش، هنر و مسافرت بوده و تمایل به سبک موسیقی و فیلم ویژه ای دارند. و همچنین میزان فراغت در بین آنها با ارتقای طبقه اجتماعی و افزایش سرمایه های فرهنگی و اجتماعی بیشتر می شود لازم است در سیاست گذاری ها تمایزات گروه های مختلف مورد عنایت قرار گرفته و برنامه ریزان فرهنگی با توجه به تفاوت سبک ها و سلیقه هایی که در بین گروه های مختلف وجود دارد برنامه ریزی متفاوتی صورت گرفته و استراتژی مناسبی اتخاذ گردد.



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد زرقان



## فهرست منابع:

- ابادری، یوسف. و چاوشیان، وحید (۱۳۸۱). طبقه اجتماعی تا سبک زندگی: رویکردهای نوین در تحلیل جامعه شناختی هویت اجتماعی، نامه علوم اجتماعی شماره ۲۰، صص ۲۷-۳۰.
- ابراهیمی، قربانعلی، مسلمی پطروودی، رقیه (۱۳۹۰). اوقات فراغت، سرمایه فرهنگی و زنان (مطالعه موردی زنان شهرستان جویبار)، زن در توسعه و سیاست، دوره ۹، شماره ۴، صص ۷۳-۹۱.
- ادریسی، افسانه؛ رحمانی خلیلی، احسان؛ حسینی امین، سیده نرگس (۱۳۹۱). سرمایه فرهنگی و ذایقه فراغتی دانشجویان با رویکرد نظری بوردیو (مطالعه موردی دانشجویان تهران، فصلنامه جامعه شناسی مطالعات جوانان، سال دوم، شماره پنجم، صص ۵۰-۲۷).
- الهام پور، حسین (۱۳۸۰). بررسی تالگوهای گذران اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه شهید چمران، مجله علوم تربیتی و روانشناسی، دوره سوم، شماره ۳ و ۴، صص ۶۲-۳۹.
- ارمکی، آزاد (۱۳۹۲). هم اندیشی بررسی وضعیت نیروهای اجتماعی در ایران، پژوهشکده علوم اجتماعی جهاد دانشگاهی، به نقل از خبر گذاری ایسنا، کد خبر ۹۲۱۲۱۷۱۱۲۶۴.
- پهلوان، منوچهر؛ برزیگر، فاطمه (۱۳۹۰). بررسی گرایش به نحوه گذران اوقات فراغت در بین دختران مقطع متوسطه شهرستان آمل، فصلنامه جامعه شناسی مطالعات جوانان، سال دوم، شماره سوم، صص ۵۳-۶۶.
- پیروسون، کریستوفر (۱۳۸۰). معنای مدرنیت: گفتگو با انتونی گیدنز، علی اصغر سعیدی، کویر.
- تاملین، ملوین. (۱۳۷۸). جامعه شناسی قشر بندی و نا برابری اجتماعی، عبدالحسین نیک گهر، تهران، توتیا.
- تند نویس، فریدون (۱۳۸۰). بررسی نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه های کشور با تاکید بر فعالیت های ورزشی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- تورکیلدسن، جرج (۱۳۸۲). اوقات فراغت و نیاز های مردم، ترجمه: مهرداد میر دامادی، تهران: نشر مرکز.
- تپیا، مجتبی (۱۳۸۸). بررسی رابطه پایگاه اجتماعی و اقتصادی و چگونگی گذران اوقات فراغت در بین دانشجویان جوان ۱۸-۲۹ سال دانشگاه علوم اجتماعی علامه طباطبایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- جعفری، روح الله؛ عزیزی، محمود؛ و محمد باقر نو بخت حقیقی (۱۳۹۳). بررسی عوامل اثر گذار بر فرهنگ تئاتر و تبیین جایگاه آن در اوقات فراغت، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال سوم، شماره یازدهم، تابستان ۱۳۹۳، صص ۱۹۹-۲۴۴.
- حیدر آبادی، ابوالقاسم، پهلوان، منوچهر، زهرا رضایی (۱۳۹۰). نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی در گرایش به موسیقی غرب در بین جوانان شهرستان آمل، پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال پنجم، شماره اول، بهار ۱۳۹۰، صص ۷۳-۵۴.
- خادمیان، طلیعه (۱۳۹۰). سبک زندگی و مصرف فرهنگی (مطالعه ای در حوزه جامعه شناسی فرهنگی و دیباچه ای بر سبک زندگی فرهنگی ایرانیان)، تهران: موسسه فرهنگی-هنری جهان کتاب، چاپ سوم.
- خواجه نوری، بیژن، مقدس، علی اصغر (۱۳۸۷). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان گذران اوقات فراغت؛ مورد مطالعه: دانش آموزان دبیرستانی شهرستان آباده، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، صص ۱۵۵-۱۳۳.
- ربانی، رسول؛ شیرینی، حامد (۱۳۸۸). اوقات فراغت جوانان در تهران: بررسی جامعه شناختی الگوهای گذران اوقات فراغت جوانان در تهران، فصلنامه تحقیقات فرهنگ، ی سال دوم، شماره ۸، صص ۲۰۹-۲۴۲.
- ریترز، جورج (۱۳۷۴). نظریه های جامعه شناختی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی.
- رفعت جاه، مریم (۱۳۸۵). جنسیت و اوقات فراغت در عرصه های زندگی شهری، فصلنامه انسان شناسی، ش ۴، صص ۷۹-۵۹.



- روجک، کریس(۱۳۸۸). نظریه اوقات فراغت (اصول و تجربه ها)، ترجمه عباس مخبر، تهران نشر شهر.
- زاهد زاهدانی، سعید؛ عزیزی، جلیل (۱۳۹۱).، تاثیر فضای اجتماعی شهر بر گذران فراغت جوانان با تاکید بر فعالیت اجتماعی (نمونه مورد مطالعه جوانان کلان شهر شیراز)، مطالعات شهری، سال دوم، شماره سوم. صص ۱۰۸-۸۳.
- زواره، انسیه (۱۳۸۶). مطالعه رابطه میان سبک زندگی و وضعیت سلامت زنان خانه دار در دو منطقه شمال و جنوب تهران با تأکید بر سنجش میزان آگاهی از حق سلامت، پایان نامه کارشناسی ارشد استادارهنما:ملیحه شیانی، دانشگاه تربیت مدرس : دانشکده علوم انسانی.
- فکوهی، ناصر ؛ انصاری مهابادی، فرشته (۱۳۸۲). اوقات فراغت و شخصیت فرهنگی، نمونه موردی دو دبیرستان دخترانه شهر تهران، نامه انسان شناسی، دوره او، شماره چهارم، پاییز و زمستان، صص ۶۱-۸۹.
- فردرو، محسن(۱۳۷۸). پایگاه اقتصادی واجتماعی ومصرف کالاهای فرهنگی : موردنمونه منطقه ی۳ و ۱۹ تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران :تهران دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی فرهنگی و دیباچه ای بر سبک زندگی فرهنگی ایرانیان ، انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری جهان.
- سعیدی، علی اصغر (۱۳۸۷). تحول در مطالعات فراغت، فصلنامه مطالعات جوانان(ویژه فراغت) ، شماره ۱۳، صص ۵۱-۳۱.
- سازمان ملی جوانان (۱۳۸۱). بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان، تهران، مؤسسه فرهنگی اهل قلم.
- شکوری، علی (۱۳۸۷). سبک ها و الگو های فراغتی در میان بخشی از جوانان شهر تهران، فصلنامه مطالعات جوانان(ویژه فراغت) ، شماره ۱۳، صص ۱۲۹.
- شعبان زاده ، مهناز (۱۳۸۴). بررسی رابطه قشر بندی اجتماعی و نحوه گذران اوقات فراغت در بین دانشجویان دختر شهرستان نگرود، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- شعاعی، فرانک (۱۳۷۷). بررسی ارتباط چگونگی گذران اوقات فراغت تابستانی و میزان علاقه مندی نوجوانان دختر در دبیرستانهای دخترانه منطقه ۱۱ شهر تهران، دانشگاه علوم پزشکی تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- شیخ، سعادت (۱۳۷۵). چگونگی پرداختن به فعالیت های فراغتی نوجوانان و جوانان شهر تهران، تهران، دبیر خانه شورای عالی جوانان.
- عباس زاده، محمد؛ مبارک بخشایش، مرتضی و مینا معروف پور(۱۳۹۲). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی اقتصادی و فرهنگی با نحوه گذران اوقات فراغت در بین دانش آموزان مقطع متوسطه شهر نقرده، مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دهم، شماره سی و هشتم.
- عابدینی، صمد (۱۳۷۹). بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان گذران اوقات فراغت و میزان مصرف کالاهای فرهنگی؛ مطالعه موردی :شهر مرودشت، پایان نامه کارشناسی ارشد، شیراز :دانشگاه شیراز، دانشکده علوم اجتماعی.
- علوی زاده، سید امیر (۱۳۸۵). بررسی چگونگی و نحوه گذران اوقات فراغت بانوان شهر کاشمر، فصلنامه جمعیت، ش ۶۴ و ۶۳، صص ۶۱-۸۳.
- فاضلی، محمد(۱۳۸۲) . مصرف وسبک زندگی، انتشارات صبح صادق، تهران.
- کوزر، لیوئیس (۱۳۸۰)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶). جامعه شناسی، منوچهر صبوری کاشانی. تهران، نشر نی.
- محمدی، جمال؛ دادهیر، ابوعلی و فرزین محمدی(۱۳۹۱). مناسبات سرمایه فرهنگی و سبک زندگی، مجله جامعه شناسی ایران، دوره سیزدهم، شماره ۴، صص ۳-۲۱.
- مهدوی کنی، محمد سعید(۱۳۸۶). مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱۱، صص ۲۳۰-۱۹۹.
- منادی، مرتضی(۱۳۸۶). اوقات فراغت و چالش های آن، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش ۸، صص ۱۶۵-۱۳۶.
- هندری، لئو بی (۱۳۸۳). اوقات فراغت و سبک های زندگی جوانان، ترجمه فرامرز ککولی دزفولی و مرتضی ملانظر، سازمان ملی جوانان، تهران، نسل سوم.



هی وود، لس و همکاران (۱۳۸۰). اوقات فراغت، محمد احسانی، تهران: نشر امید دانش.

- Abercombie, N. et al. (2000) Contemporary British Society. Polity press.
- Bramham, P. (2002), Rojek, the sociological imagination and leisure. Leisure studies 21.
- Bouedieu, P. (1984) Distinction: A social critique of the judgment of taste. London: R.K.P.
- Corrigan, P. (1997) The sociology of consumption. London: sage.
- Ester Cerin, Eva Lesli. (2008). "How Socio economic Status Contributes to Participate in Leisure – time", Journal of Social Science and Medicine.
- Giddens, A. (1991) Modernity and self identity: self and society in the late modern age. Cambridge: polity press.
- Hunnicutt, b.k. (1988), work without end. Abandoning shorter hours for the right to work. Philadelphia: temple university press.
- Katz, Gerro, Tally. (1999), cultural consumption and social stratification: Leisure activities, musical tastes and social location. Sociological perspectives, Vol.42, No 4, P 627-646.
- North, A. C., Hargreaves, D. J. and O'Neill, S. A. (2000) the importance of music to adolescents. British Journal of Educational Psychology, 70, 255-272.
- Rojek, C. (1990), Emancipation and Demoralisation: contradicting approaches in the sociology of leisure, Leisure Studies, No 2, pp 96-83.
- Turner, B.S. (1998) Cultural citizenship. N. Stevenson, Cultural citizenship. London: sage publication.
- Torkildsen, G. (2001), Leisure and Receptions Management, New York: Spon Press.
- Wegner, L. Alan J. Flisher, M. Carl L. (2006), Leisure Boredom and Substance Use among High School Students in South Africa, Journal of Leisure Research, Vol. 38, No. 2, p. 249-299.